

هرم هستی

تأملی هیدگری در نظرگاه ابن سینا
و طلایه داران عرفان خراسان

مجتبی اعتمادی نیا



۱۳۹۸

سرشناسه: اعتمادی‌نیا، مجتبی، ۱۳۵۹ - * عنوان و نام پدیدآور: هرم هستی : تاملی هیدگری در نظرگاه
 ابن‌سینا و طلایه‌داران عرفان خراسان/مجتبی اعتمادی‌نیا. * مشخصات نشر: تهران: نشر آن‌سو، ۱۳۹۸. *
 مشخصات ظاهری: ۲۹۶ص. * شابک: 7-3-95686-622-978 * وضعیت فهرست نویسی: فیا *
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۸۹ - ۲۹۶ * یادداشت: نمایه. * عنوان دیگر: تاملی هیدگری در نظرگاه ابن‌سینا و
 طلایه‌داران عرفان خراسان. * موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۹۷۶-۱۸۸۹م. -- دیدگاه درباره هستی‌شناسی *
 موضوع: Heidegger, Martin -- Views on Ontology * موضوع: ابن‌سینا، حسین‌بن عبدالله، ۳۷۰
 - ۴۲۸ ق. -- دیدگاه درباره هستی‌شناسی * موضوع: Avicenna -- Views on ontology * موضوع:
 هستی‌شناسی * موضوع: Ontology * موضوع: هستی‌شناسی (فلسفه اسلامی) * موضوع:
 * (Ontology (Islamic philosophy) * رده بندی کنگره: ۳۱۸BD * رده بندی دیویی: ۱۱۱ * شماره
 کتابشناسی ملی: ۵۸۳۹۱۵۶ کتابشناسی ملی: ۴۹۵۸۶۸۱



هرم هستی

تاملی هیدگری در نظرگاه ابن‌سینا

و طلایه‌داران عرفان خراسان

مجتبی اعتمادی‌نیا

کتاب‌آرایی: آتلیه سایه

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۷-۳-۹۵۶۸۶-۶۲۲-۹۷۸

بها: ۶۲۰۰۰ تومان

© ۱۳۹۸ حق نشر محفوظ و مخصوص نشر آن‌سو است.

بهره‌برداری و نقل قول بدون ذکر منبع به هر صورتی بدون اجازه ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

www.aansoo.ir

aansoo.pub@gmail.com

درباره این اثر

از زمانی که اندیشمندان اروپایی نسبت به میراث فکری و فرهنگی شرق توجه پیدا کردند، نوع خاصی از پژوهش‌ها و مطالعات رونق گرفت که ما امروز آن را مطالعات مقایسه‌ای یا تطبیقی می‌خوانیم. این نوع پژوهش‌ها اغلب ناظر به کشف و یا ایجاد روابطی میان اندیشه‌های غربی و شرقی شکل می‌گیرند. شیوه‌های متنوعی برای این‌گونه پژوهش‌ها به کار گرفته می‌شود که یکی از آن‌ها به کار بستن چهارچوب‌های نظری سنتی خاص برای بررسی و کاوش در اندیشه‌های برجای مانده از سنتی دیگر است. آنچه در این اثر پیش‌رو دارید پژوهشی از این شمار است.

نویسنده در این اثر سنت فلسفی مشاء را در جهان اسلام با عطف توجه به آثار ابن‌سینا، همچنین سنت عرفان خراسانی را با چهره‌های شاخصی همچون بابزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی موضوع مطالعه قرار داده است و برای این بررسی از چهارچوب‌هایی نظری که در فلسفه اگزیستانسیالیستی آلمانی و به طور مشخص در آثار مارتین هایدگر طرح شده بهره برده است. این بررسی‌ها درخصوص نظریه هستی‌شناسانه‌ای است که بر پایه آن هستی به مثابه هرمی بزرگ و موجودات همچون حلقه‌های زنجیره‌ای که این هرم را می‌سازند قلمداد می‌شود. امید است انتشار این اثر گامی مؤثر در توسعه پژوهش‌های مقایسه‌ای، به‌خصوص در زمینه فلسفه، باشد.

فهرست

۱۷	پیشگفتار
۲۵	فصل اول: بررسی تقریر سینیوی از هرم هستی مبتنی بر نظرگاه انتقادی هیدگر
۲۷	۱. درآمد
۲۹	۲. تضعیف و انحلال هرم هستی در دوران مدرن
۳۲	۳. هیدگر و نقد طرز تلقی‌های سنتی از هستی و مراتب آن
۳۳	۱. ۳. نگاهی اجمالی به رویکردهای بنیادین تفکر هیدگر
۳۳	۱. ۱. ۳. نگاهی کلی به رویکردهای حاکم بر کتاب وجود و زمان
۴۱	۱. ۲. ۳. فراموشی پرسش از معنا و حقیقت وجود نزد هیدگر
۴۷	۱. ۳. ۳. هستی‌شناسی ارسطویی از منظر هیدگر
۵۵	۲. ۳. هیدگر و نقد بنیان‌های نظری هرم هستی
۵۹	۱. ۲. ۳. نادیده انگاشتن تمایز هستی‌شناختی در تقریرهای فلسفی از هرم هستی
۶۰	۲. ۲. ۳. ماهیت خداشناسانه تقریرهای فلسفی از هرم هستی
۶۳	۳. ۲. ۳. هرم هستی و ابتدا بر نظام مقولات
۷۰	۴. ۲. ۳. هرم هستی و ابتدا بر معرفت‌شناسی بازنمودی
۷۴	۵. ۲. ۳. هرم هستی و ارائه تصویری ناتمام و غیراصیل از انسان
۷۷	۴. نگاهی نقادانه به معنا و حقیقت وجود نزد ابن‌سینا
۷۸	۱. ۴. مساوقت فلسفه‌اولی با موجودپژوهی نزد ابن‌سینا
۸۴	۲. ۴. بداهت، کلیت و تعریف‌ناپذیری وجود نزد ابن‌سینا
۸۹	۳. ۴. ابن‌سینا و تمایز هستی‌شناختی

۹۰. ۳. ۴. ۱. تمایز میان وجود و ماهیت نزد ابن سینا
۹۵. ۳. ۴. ۲. مسأله عروض وجود بر ماهیت
۹۷. ۳. ۳. ۴. ۳. ابن سینا؛ طرفدار اصالت وجود یا اصالت ماهیت؟
۱۰۶. ۴. ۴. ۴. الاهیات بالمعنی الاخص و طرح پرسش از معنا و حقیقت وجود
۱۱۴. ۴. ۵. هستی‌شناسی مبتنی بر نظام مقولات و طرح پرسش وجود
۱۱۹. ۴. ۶. جایگاه معرفت‌شناسی بازمودی نزد ابن سینا
۱۲۲. ۴. ۷. ابن سینای متأخر و تجدیدنظر در رویکردهای هستی‌شناسانه
۱۳۰. ۵. پی‌گفتار
۱۵۱. فصل دوم: حوزه عرفان خراسان و قابلیت‌های ارانه طرحی متفاوت از هستی
۱۵۳. ۱. درآمد
۱۵۶. ۲. پرسش از پیش‌زمینه، ساختار و درون‌مایه
۱۵۶. الاهیاتی، عرفانی و شاعرانه تفکر هیدگر
۱۵۶. ۲. ۱. هیدگر و الاهیات
۱۵۶. ۲. ۱. ۱. پیش‌زمینه‌ها و خاستگاه‌های الاهیاتی در فلسفه هیدگر
۱۶۱. ۲. ۱. ۲. تأملی در مواجهات فلسفی هیدگر با الاهیات
۱۶۱. الف) تمایز موضوعی
۱۶۴. ب) تمایز روشی
۱۶۸. ۲. ۲. نگاهی اجمالی به پس‌زمینه، ساختار و درون‌مایه عرفانی تفکر هیدگر
۱۷۷. ۲. ۳. پرسش از چیستی و جایگاه هنر و شعر در تفکر هیدگر
۱۷۷. ۲. ۳. ۱. نگاهی به معنا و جایگاه هنر در فلسفه هیدگر
۱۸۱. ۲. ۳. ۲. هیدگر و تفکر شاعرانه
۱۹۱. ۲. ۳. ۲. ۱. نگاهی به برخی از مهم‌ترین مفاهیم شاعرانه در تفکر هیدگر متأخر
۱۹۲. الف) اقامت گزیدن و بی‌خانمانی
۱۹۶. ب) وارستگی و جنون
۱۹۹. ۳. سنجش قابلیت‌های عرفان حوزه خراسان
۱۹۹. در جهت ارانه طرحی تازه در باب هستی
۲۰۲. ۳. ۱. نگاهی اجمالی به خطوط کلی نظرگاه عارفان خراسان
۲۰۳. ۳. ۱. ۱. شاعرانگی تفکر

۲۰۵	۳. ۱. ۲. بکارت زبانی
۲۰۸	۳. ۱. ۳. برآسودگی از مفهوم اندیشی های متافیزیکی
۲۱۳	۳. ۱. ۴. آن سوبآوری
۲۱۶	۳. ۲. هستی از منظر عارفان خراسان
۲۳۵	۳. ۳. جایگاه و میزان اهمیت ساختار سلسله مراتبی هستی نزد عارفان خراسان
۲۴۳	۳. ۴. نگاهی مقایسه ای به آراء هیدگر متأخر و نظرگاه عارفان خراسان
۲۵۳	۴. پی گفتار
۲۶۷	نتایج
۲۷۸	کتاب نامه
۲۷۸	فارسی و عربی
۲۸۶	انگلیسی
۲۸۹	نماینه

پیشگفتار

هرم هستی نمایانگر نوعی طرح وجودشناختی سلسله‌مراتبی است که آدمیان طی قرن‌ها همواره نظر و عمل خود را بر اساس آن سامان داده و به لوازم منطقی و روان‌شناختی آن در عرصه فرهنگ و سیاست تن در داده‌اند. تقریرهای مختلف این طرح وجودشناختی که از دهه ۳۰ میلادی تاکنون عمدتاً در محافل دانشگاهی غرب، از آن با عنوان «زنجیره بزرگ وجود»^۱ یاد می‌شود، طی قرن‌های متمادی معنابخش حیات نظری و عملی بسیاری از ساکنان کره زمین بوده است. اصطلاح زنجیره بزرگ وجود نخستین بار در سال ۱۹۳۶، از سوی فیلسوف و مورخ آلمانی تبار آمریکایی، آرتور لاجوی^۲ در اثری با همین عنوان^۳ و در اشاره به چارچوب فکری حاکم در دوران باستان و قرون وسطی به کار بسته شده است. بر اساس تقریرهای مختلف از هرم هستی، واقعیت، پرده منقوش باشکوهی متشکل از سطوحی درهم‌تنیده است که بنا به برخی از تقریرها جسم، نفس و روح را به هم پیوند می‌دهد. در اغلب تقریرهای ناظر به این مفهوم، خدا یا امر قدسی و الوهی در بالاترین رده هستی و ماده بی‌جان یا عدم در انتهای

^۱ the great chain of being

^۲ Arthur Lovejoy

^۳ مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

Lovejoy, Arthur O (1936). *The Great Chain of Being. The History of an Idea*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

زنجیره قرار دارد. بر اساس این الگوی وجودشناختی، مراتب فوقانی درعین حال که واجد مزیت‌ها و خصایص بنیادین مراتب تحتانی‌اند، از مزیت‌های خاص و تمایزبخش خود نیز برخوردارند که مایه تشخیص آن رده وجودی به شمار می‌رود. بر این اساس، روح در عین تعالی، نفس، ذهن، جسم و ماده را نیز با خود همراه دارد و واقعیت، مجموعه‌ای از آشیانه‌های تودرتو یا سلسله‌مراتبی طولی خواهد بود که همه‌چیز درنهایت، در آغوش روحی همیشه حاضر^۱ قرار دارد. از این منظر، هر سطح از واقعیت، مقتضی شاخه‌های خاصی از دانش است.

تقریرهای گونه‌گون از هرم یا زنجیره بزرگ هستی، که به تعبیر هیوستن اسمیت^۲ در کتاب حقیقت از یاد رفته^۳ می‌توان آن را هسته مشترک سنت‌های حکمی بزرگ جهان و ادیان پیشامدرن به شمار آورد، علاوه بر آنکه همواره طرز تلقی انسان دنیای سنتی از فلسفه، الاهیات، اخلاق، علم، سیاست و تاریخ را صورت‌بندی نموده، پی‌آمدهای رفتاری ویژه‌ای را نیز در سلوک عملی وی در ارتباط با خود، دیگران و طبیعت برجای نهاده است.^۴

چنانکه کن ویلبر^۵ فیلسوف، روان‌شناس و عرفان‌پژوه آمریکایی در این باره تقطّن یافته، این موضوع فلسفی در توصیف و تبیین واقعیت که ستون فقرات

^۱ ever-present

^۲ Huston Smith

^۳ مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

Smith, Huston (1992). *Forgotten Truth: The Common Vision of the World's Religions*. HarperCollins.

^۴ برای آشنایی با تقریرهای گونه‌گون هرم هستی در بستر تاریخ تفکر و تمدن بشری لک: اعتمادی‌نیا. مجتبی (۱۳۹۷). *هرم هستی در بستر تاریخ تفکر و تمدن بشری*. تهران: آن‌سو.

^۵ Ken Wilber

«حکمت خالده»^۱ به شمار می‌رود، تا پیش از ظهور مدرنیته در غرب، بیشترین اتفاق‌نظر را در تاریخ زیست بشر بر روی زمین با خود به همراه داشته است. اما با ظهور دوران مدرن به‌ویژه پس از قرن هیجدهم، تحولات پدیدآمده در حوزه‌های فلسفه، الاهیات، علم و سیاست هر یک به‌نوبه خود در تضعیف تقریرهای هرمی از وجود و درنهایت فروریختن دست‌کم بخش‌هایی از این هرم مؤثر افتاد. انقلاب کوپرنیکی کانت، نهضت اصلاح دینی، نظریه تکامل داروین و کشفیات حوزه ژنتیک، مجموعه‌شناسی^۲ و فسیل‌شناسی^۳ در کنار نفی نظام‌های سیاسی فئودالی و پادشاهی که با روی کارآمدن نظام‌های دموکراتیک ملتزم به آموزه سکولاریسم همراه بود، هر یک به‌نوبه خود سهمی در انحلال طرز تلقی هرمی از وجود ایفا نموده‌اند. اما با وجود این، در دوران مدرن نیز تفکر اغلب توده‌های مردم، همچنان از قرائت‌های نحیفی از هرم هستی ارتزاق می‌کند و استلزامات پنهان این طرح از وجود، همچنان در زندگی و تفکر بسیاری از انسان‌ها ایفای نقش می‌کند. حتی فیلسوفان دوران جدید نظیر کانت و هگل نیز اگرچه در برابر تقریرهای سنتی از هرم هستی سر فروود نیاوردند، اما آنان نیز همچنان بر اساس طرحی هستی‌شناسانه و مابعدالطبیعی، مقاصد فلسفی خود را به‌پیش برده‌اند. نیچه نیز که به تعبیر هیدگر، قصد فراروی از این چنبره را در سر

^۱ perennial philosophy

^۲ craniology

^۳ fossilogy: کشف الگوهای نظم طبیعی در قرن هیجدهم که عمدتاً بر یافته‌های فسیل‌شناسان مبتنا یافته بود و نشان از شباهت انواع مختلف موجودات به یکدیگر داشت، طبقه‌بندی طولی اقسام حیات در هرم هستی را با چالشی جدی روبه‌رو کرد. کشفیات حوزه ژنتیک نیز بیش‌ازپیش تصور رایج تمایز انواع مختلف موجودات زنده را با تردید مواجهه نمود. بر این اساس، نگاه طیفی، منسجم و تکاملی به انواع موجودات زنده، جایگزین نگاه «جعبه مداد رنگی» و آموزه خلقت گروی (creationism) شد.

۲۰ | هرم هستی: تأملی هیدگری در نظرگاه ابن‌سینا و طلایه‌داران عرفان خراسان

داشت، درنهایت، بی‌آنکه بتواند از آن رهایی یابد، صرفاً به واژگون‌سازی آن بسنده نمود و با به فعلیت رساندن همه قابلیت‌های متافیزیک، به‌مثابه آخرین متافیزیسین، آن را به کمال رساند (N,3:8).

اما به هر روی، خدشه در تقریرهای مختلف هرم هستی که از یک‌سو ظاهراً نتیجه تحولاتی روبه‌جلو در تفکر و تمدن بشری به‌شمار می‌رفت، با عوارض نامطلوب و ویرانگری همراه بود، چه آنکه خدشه در طرح ناظر به سلسله‌مراتب هستی باعث شده بود تا مفهوم یکدستی از وجود که عمدتاً ناظر به ماده صرف و احیاناً ماده و انرژی بود جایگزین آن شود؛ مفهومی که به تعبیر رنه گنون^۱ ناشی از «سیطره کمیت» بود و تنها می‌توانست موضوع مطالعه علم تجربی واقع شود.^۲ به این ترتیب، ماده‌گروی علمی^۳ به ظهور رسید و به نظرگاهی غالب بدل شد. آثار مخرب نسیان، نادیده انگاشتن و یا انکار هرم هستی و عوارض نامطلوب مدرنیته که در دوران معاصر، اغلب از سوی متفکران منتسب به دو جریان سنت‌گرایی و پست‌مدرنیسم (البته از دو منظر کاملاً متفاوت) گوشزد شده است، عمدتاً ناظر به بی‌معنایی زندگی، شکاکیت معرفت‌شناختی و تخریب محیط‌زیست است که از منظر هیدگر، آوارگی و «بی‌خانمانی وجودی انسان» را موجب شده و به تعبیر کن ویلبر، به «امپریالیسم علمی» و بروز «جنگ‌های سرد فلسفی»^۴ انجامیده است.

^۱ René Guénon

^۲ گنون در کتاب *Le règne de la quantité et les signes des temps* (1945) به این موضوع پرداخته است. مشخصات کتاب‌شناختی ترجمه فارسی این اثر چنین است: گنون. رنه (۱۳۶۱). *سیطره کمیت و علام آخر زمان*. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

^۳ scientific materialism

^۴ این دو اصطلاح را از کن ویلبر در کتاب *از دواج حس و روح: یکپارچه‌سازی علم و دین* وام گرفته‌ام. مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

این وضعیت، بسیاری از متفکران را به تجدیدنظر در الگوها و چارچوب‌های تفکر مدرن که زنجیره گسسته و ازهم‌پاشیده وجود را زیر پای خود دارد، فراخوانده است. پرسش و مسأله اساسی در این میان آن است که آیا امروزه که به‌زعم برخی از فیلسوفان و متفکران باید آن را روزگار فروریختن متافیزیک‌ها و افول فرازآوایت‌ها لقب داد^۱ امکان احیای یکی از تقریرهای پیشین هرم هستی میسر است و در صورت امکان، این کار با چه ساز و کار و حک و اصلاحاتی باید صورت پذیرد؟ از سوی دیگر، در صورتی که این پرسش پاسخی منفی دریافت نماید و تاریخ متافیزیک سستی، چنانکه هیدگر تصور می‌کرد، عرصه نسیان حقیقت وجود انگاشته شود، آیا می‌توان از امکان نظرگاهی تازه در مواجهه با وجود پرسش نمود که در عین التفات به حقیقت وجود و رهایی از سلطه قاهرانه متافیزیک، دیگر بار جامه فاخر معناداری را بر کالبد افسرده حیات آدمی فروپوشد و نقطه انکابی برای انسان مدرن معلق در فضای خودبنیادی و نیست‌انگاری فراهم آورد؟

مبیتی بر پرسش‌های پیش‌گفته، اثر حاضر می‌کوشد با نگاهی انتقادی به نحوه تلقی سلسله‌مراتبی از وجود نزد ابن‌سینا، ضمن بازاندیشی، آسیب‌شناسی نظری و کشف هسته سخت^۲ وجودشناسی سینوی، قابلیت‌های بی‌بدیل عرفان حوزه خراسان را در پی‌ریزی طرحی اصیل از وجود واکاوی نماید. این پژوهش از آن‌رو که از منظر نقد وجودشناختی فیلسوفی غربی در پی بازاندیشی، آسیب‌شناسی و استعدادسنجی تلقی‌های گونه‌گون از سلسله‌مراتب هستی در سپهر تفکر

Wilber, Ken (2000). *The Marriage of Sense and Soul: Integrating Science and Religion*. The Collected Works of Ken Wilber. Boston: Shambhala. Vol.8: 81-269.

^۱ به‌عنوان نمونه، رابین جورج کالینگ وود (R.G Collingwood)، آبریس مرداک (Iris Murdoch) و ژان فرانسوا لیوتار (Jean-François Lyotard) همگی بر این عقیده‌اند.

^۲ hardcore

اسلامی - ایرانی است، بسترسازی برای گفتگویی بنیادین و مکالمه‌ای فرهنگی میان سنت اندیشه غربی و اسلامی را نیز به‌عنوان هدفی کاربردی مدنظر قرار داده است. بر این اساس، نگارنده در فصل نخست، ضمن اشاره به نظرگاه انتقادی برجسته‌ترین نمایندگان فلسفه جدید از تقریرهای سنتی هرم هستی، می‌کوشد تا با نگاهی کاملاً اجمالی به عمده‌ترین مکاتب و جریان‌هایی که در چارچوب فلسفه غربی هر یک سهمی در نفی، نسیان و یا انحلال هرم هستی و اصول مابعدالطبیعی ناظر به آن داشته‌اند، تصویری جامع از نحوه مواجهه انتقادی فلسفه جدید با تلقی هرمی از وجود به دست دهد. اما نگارنده در ادامه این فصل می‌کوشد تا از میان نظرگاه‌های انتقادی پیش‌گفته، صرفاً مبتنی بر نقد وجودشناختی هیدگر از تقریرهای سنتی هرم هستی، ظرفیت‌های بالقوه نظرگاه سینوی را در پاسخگویی به این نقد و رهایی از این چالش بنیادین که تاریخ دوهزارساله فلسفه غربی را نیز به چالش فراخوانده، محل بحث و بررسی نقادانه قرار دهد. در این بخش، عمده‌ترین تلاش‌ها معطوف پاسخگویی به این پرسش سرنوشت‌ساز است که آیا تقریر هرم هستی نزد ابن‌سینا که بی‌شک در طرح نظام وجودشناختی خود متأثر از فلسفه پساسقراطی به‌ویژه مکتب نوافلاطونی بوده است نیز چنانکه هیدگر می‌انگاشت، با نسیان بنیاد وجود و پرسش ناظر به آن عجین بوده است یا آنکه این طرز تلقی از حقیقت وجود، به‌ویژه در طرح هرم هستی، برخلاف نظر هیدگر، موجودانگارانه نبوده است؟

تذکر این نکته در باب ساختار و محتوای فصل نخست ضروری است که مقایسه و مقابله تفکرات نقادانه هیدگر درباره فرآیند نسیان وجود در طول تاریخ متافیزیک با مواضع وجودشناختی ابن‌سینا، به هیچ رو به معنای سنجش ارزش و اعتبار نظرگاه فلسفی ابن‌سینا بر اساس مبانی تفکرات هیدگر نیست که این خود یکی از منحط‌ترین اقسام غرب‌زدگی فرهنگی است که می‌تواند در حوزه مباحث فلسفی مصداق یابد، بلکه آنچه در این فصل و به‌طورکلی در این پژوهش مدنظر بوده است، مقایسه و مقابله دو دستگاه فکری، به‌منظور کشف نسبت و موضع درست هر یک نسبت به دیگری است. نگارنده از این رهگذر در پی برآوردی

دقیق‌تر از وضعیت و موقعیت فلسفه اسلامی و به‌ویژه فلسفه سنیوی در قیاس با خاستگاه یونانی آن بوده است. بر این اساس، نقد بنیادین هیدگر به خاستگاه و روند یونانی فلسفه نیز از آن‌رو که می‌توانست در باب فلسفه اسلامی (که خویشاوندی نخستین آن با فلسفه یونان امری غیرقابل انکار به نظر می‌رسد) نیز مصداق داشته باشد، نگارنده را در مسیر این مقابله فکری ترغیب نموده است. به این ترتیب، انتخاب نظرگاه فلسفی و انتقادی هیدگر در باب موضوع محل بحث، بیش از آنکه معیار سنجش قابلیت‌های فلسفه اسلامی باشد، گشایش‌گر افق‌های تازه‌ای در مسیر بازاندیشی مبانی آن است.

و بالاخره نگارنده در فصل دوم می‌کوشد تا با مراجعه به یکی از بالنده‌ترین و ناب‌ترین ساحات تفکر در تمدن اسلامی، از ظرفیت‌های بالقوه و استعداد‌های بی‌نظیر آن در ارائه نظرگاهی تازه در باب هستی و مراتب آن بهره جوید. مباحث این فصل که به‌طور خاص، معطوف نوعی استعدادسنجی در نظرگاه عرفانی بایزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی است، بر این فرضیه مبتنا یافته که نظرگاه وجودی این دو شخصیت برجسته حوزه عرفانی خراسان، برخلاف رویکردهای متعارف در فلسفه و عرفان نظری اسلامی، کمتر در چنبره متافیزیک موجودانگارانه مستظهر به نسیان وجود گرفتار آمده است و بر این اساس، مصداقی از تجربه ناب وجود از منظر هیدگر را می‌توان نزد آنان پی‌گیری نمود. نگارنده در این فصل، با اتکا بر فرضیه پیش‌گفته می‌کوشد تا با محوریت بحث از حقیقت و مراتب هستی نزد عارفان مذکور، ضمن مقایسه اجمالی دیدگاه آنان با نوع رویکردهای فیلسوفان و عارفان نظری مسلمان در این باره، امکان استخراج طرحی از وجود که مستظهر به مابعدالطبیعه‌ای غیر یونانی و تجربه‌ای اصیل از حقیقت وجود است را محل بحث و تأمل قرار دهد.

دشواری حروف‌چینی این اثر نیز مانند سایر آثار نگارنده، بر عهده همسر عزیز و فداکارم، خانم حمیده قمری بوده که شایسته سپاس و امتنان عمیق است. علاوه بر این، زحمات دست‌اندرکاران انتشارات آن‌سو، به‌ویژه دوست فرهیخته و هنرمندم،

۲۴ | هرم هستی: تأملی هیدگری در نظریه‌گاه ابن‌سینا و طلایه‌داران عرفان خراسان

روح‌الله چاوشی که در انتشار شایسته این اثر زحمات فراوانی بر خود هموار نمود،
ستودنی و تحسین‌برانگیز است.

تعالی همهٔ بندگان نیک خداوند، افزون باد!

بَعَثَهُ وَكَرَّمَهُ

مجتبی اعتمادی‌نیا

رمضان ۱۴۳۹ هجری قمری

مقارن با خردادماه ۱۳۹۷ هجری شمسی